

فرصت‌سازی و فرصت‌سوزی



حمید روشنایی

کارشناس روابط خارجی

به‌عنوان یک مسلمان باید به این سخن مولا علی (ع) ارج بنهیم که فرمود: فرصت‌ها همچون ابر می‌گذرند، پس برای کارهای خوب آن را غنیمت بشمارید... سیاست خارجی از یک دیدگاه می‌تواند استفاده از فرصت‌ها در شرایط مقتضی باشد. تاریخ پر است از فرصت‌هایی که سیاستمداران از آن بهره برده‌اند و تاریخ‌ساز شده‌اند. مثلاً کیسینجر و نیکسون در سال ۱۹۷۲ از یک فرصت طلایی استفاده کرده و چین را به معادلات جهانی بازگرداندند، جورج بوش پدر از یک فرصت و غفلت صدام حسین در حمله به کویت استفاده کرد و عراق را که بعد از جنگ با ایران دارای توان نظامی بالایی بود، دچار اضمحلال نمود تا دیگر خطری برای منطقه و به‌خصوص اسرائیل نباشد، نلسون ماندلا رهبر آزادیبخش آفریقای جنوبی از فرصت تحریم‌ها و فشارهای جهانی علیه آپارتاید استفاده نمود و توانست آفریقای جنوبی را از سیطره مطلق سفیدپوستان خارج نماید... اما فرصت‌ها چگونه پدید می‌آیند؟ فرصت‌ها معمولاً به صورت ناگهانی و تصادفی «به‌وجود نمی‌آیند» بلکه ساخته می‌شوند. فرصت‌ها ترکیبی از آمادگی، بینش، و اقدام آگاهانه است که افراد پراثر تلاش و هوشیاری به‌دست می‌آورند. درواقع می‌توان گفت فرصت‌ها در تقاطع آمادگی فردی و شرایط بیرونی شکل می‌گیرند. برای یک کشور نیز فرصت‌ها زاده می‌شود به این مفهوم که شرایطی گرد هم می‌آید تا آن فرصت پدیدار گردد و مسئولانی می‌توانند از آن بهره ببرند که هوشیار و آماده باشند. مواد لازم برای استفاده از فرصت‌ها، آمادگی، آگاهی، ارتباطات قوی، ریسک‌پذیری و زمان‌شناسی است. فرصت‌ها در روابط خارجی در مواقع خاصی شکل می‌گیرد مثلاً در حیطه اقتصادی، با گسترش روابط تجاری، نمایشگاه‌ها، سرمایه‌گذاری‌های مشترک و... شکل می‌گیرد یعنی کشورها وقتی وارد داد و ستد شدند، فرصت‌ها را ایجاد می‌کنند و تجار و اقتصاددان‌ها از آن بهره می‌برند. در بخش سیاسی، ائتلاف‌ها، همکاری‌ها، توافق‌ات، پیمان‌های منطقه‌ای و جهانی و... فرصت‌ها را ایجاد می‌کند. برای مثال شورای پس از جنگ جهانی دوم، از فرصت بی‌ثباتی کشورهای شرق اروپا و تهدید ناتو استفاده کرد و پیمان ورشورا ایجاد نمود و با در نظام دوقطبی با بهره‌گیری از سیاست‌های بی‌طرفی برخی کشورها، رهبرانی همچون تیتو، جمال عبدالناصر، لعل نهر و سوکارنو استفاده نموده و سازمان عدم‌تعهد را پایه‌گذاری کردند. اما در تاریخ فرصت‌های بسیاری نیز از دست رفته است. دولت صفوی به‌رغم آنکه روابط خوبی با اروپا داشت هرگز نتوانست به صنعتی شدن غرب گره بخورد، دولت قاجار با شهادت امیرکبیر فرصت نوسازی و توسعه کشور را از دست داد، مشروطه به‌رغم همه مشققت‌ها، در دوران رضاشاه در زمینه دموکراسی با شکست مواجه شد، محمدرضا پهلوی به‌رغم گران شدن نفت، فرصت بهسازی زیرساخت کشور را از دست داد و... این فرصت‌سوزی‌ها در روابط خارجی نیز مثال‌های زیادی دارد: ناپلئون و هیتلر اگر طمع به خاک روسیه و شوروی نمی‌کردند و عمق استراتژیک آن را می‌فهمیدند، حکومتشان نابود نمی‌شد... ژاپنی‌ها اگر با اتم و بمب اتمی آشنایی داشتند و می‌دانستند آمریکا به چه قدرتی رسیده است، هرگز به بندر پرل هاربر حمله نمی‌کردند و شاهد نابودی دوشهر خودشان نمی‌شدند... اوکراینی‌ها اگر درک درستی از قدرت روسیه و ضعف اروپا داشتند، هرگز در جنگ ویرانگر کنونی وارد نمی‌شدند، انگلیس، شوروی و حتی آمریکا اگر به فرهنگ و مبارزه جویی مردم افغانستان آگاهی داشتند، درصدد اشغال آن بر نمی‌آمدند... فرصت‌سوزی در روابط خارجی کشورها علاوه بر نداشتن ویژگی‌هایی که گفته شد، می‌تواند دلالت دیگری هم داشته باشد:

- ۱- مشغول شدن رهبران کشورها به دعوای‌های داخلی
- ۲- نگرش ایدئولوژیک و ایده‌آلیستی به محیط خارجی و نظام بین‌الملل
- ۳- نهم قدرت داشتن
- ۴- غفلت از تغییرات خارجی و عدم درک اتفاقات پیرامون کشور
- ۵- غریب اطلاعات نادرست از دستگاه‌های ذیربط در روابط خارجی
- ۶- آشنا نبودن مسئولان به الفبای سیاست خارجی

در نهایت باید گفت فرصت‌ها در روابط خارجی به آسانی به‌دست نمی‌آید و باید برای ایجاد آن تلاش کرد. دردناک‌ترین زمان وقتی است که به‌دلیل عدم آگاهی و یا تلاش مسئولان یک کشور این فرصت‌ها از بین رفته و کشور از بهره‌مندی از آن محروم می‌شود. تاریخ مملو از این فرصت‌سوزی‌هاست که نتیجه آن سال‌های آتی خود را نشان می‌دهد. نسل‌های بعد از ما همانند خود ما که امروز برای خاندان‌های قاجار و پهلوی قضاوت می‌کنیم ما را محاکمه خواهند کرد و علیه این فرصت‌سوزی‌ها حکم خواهند داد.

دیپلماسی

DIPLOMACY



عکس: presidential.ir

امید تهران

به ایستادگی دهلی‌نو

آیا هند پس از اسنپ‌بک به مناسبات تجاری با ایران ادامه خواهد داد؟

ابراهیم رحیم‌پور معاون پیشین وزیر امور خارجه در گفت‌وگو با «هم‌میهن»:

در مورد رابطه با هند مبالغه زیادی شده است

بازگشت تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد، همزمان با ضرب‌الاجل دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا به دهلی‌نو برای توقف سرمایه‌گذاری در پروژه مشترک بندر چابهار سوال‌هایی را در مورد آینده روابط ایران و هند ایجاد کرده است. ابراهیم رحیم‌پور، معاون پیشین وزیر امور خارجه ایران معتقد است که تهران به دلیل محدودیت‌ها و محرومیت‌هایی که در سال‌های اخیر در مناسبات خارجی با آن مواجه شده است، هر توفیق و دستاورد کوچکی را در بوق و کرنا می‌کند، در حالی که در سال‌های پس از بازگشت تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد، روابط ایران و هند به شکل چشمگیری محدود شده است و اساساً اقدام‌هایی مانند سرمایه‌گذاری هند در پروژه بندر چابهار، به دلیل رقم کوچک سرمایه‌گذاری دستاورد چندان بزرگی محسوب نمی‌شدند. رحیم‌پور معتقد است که هند منافع ملی خود را در روابط خارجی در اولویت قرار می‌دهد و به همین دلیل با توجه به بازگشت تحریم‌های بین‌المللی، دورنمای روابط ایران و هند چندان روشن نیست. در ادامه متن کامل گفت‌وگوی «هم‌میهن» را با ابراهیم رحیم‌پور، معاون پیشین وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران مطالعه می‌کنید.

«ضرب‌الاجل ۴۵ روزه رئیس‌جمهور آمریکا برای قطع سرمایه‌گذاری دهلی‌نو در بندر چابهار، چه تأثیری بر مناسبات اقتصادی ایران و هند برجا خواهد گذاشت؟

تا جایی که من اطلاع دارم، هندی‌ها در بندر چابهار اساساً مدت‌هاست که سرمایه‌گذاری جدیدی انجام نداده‌اند و توسعه این پروژه را متوقف کرده‌اند. دهلی‌نو اقدام‌های اولیه و محدودی در گذشته انجام داده است که این بندر قابل بهره‌برداری باشد. واقعیت این است که پس از خروج دونالد ترامپ از برجام و بازگشت تحریم‌های آمریکا در سال ۲۰۱۸، هندی‌ها برای استمرار حضور در بندر چابهار و سرمایه‌گذاری‌هایی که انجام می‌دادند، مجوزهای لازم را از

را در بندر چابهار که می‌توانست به عنوان پلی برای اتصال هند به افغانستان عمل کند، از تحریم‌ها مستثنی‌کند. این تصمیم استمرار سیاست آمریکا برای امتیاز دادن به دهلی‌نو به عنوان یک قدرت نوظهور در آسیا برای ایجاد موازنه در برابر چین بود. با این حال از سال ۲۰۱۸ تاکنون شرایط بین‌المللی به شکل چشمگیری دچار تحول شده است. خبرگزاری فرانسه می‌نویسد: «از سال ۲۰۱۸ تغییرات زیادی رخ داده است. کابل در آن زمان هنوز تحت کنترل دولتی بود که از سوی واشنگتن، اتحادیه اروپا و هند حمایت می‌شد؛ کسانی که به نقش پاکستان در افغانستان با سوءظن می‌نگریستند و آن را متهم به داشتن ارتباط با طالبان می‌کردند. چابهار به عنوان یک دروازه جایگزین به افغانستان، با دور زدن پاکستان، معرفی شده بود؛ کشوری که مدت‌ها بود سهم عمده‌ای از تجارت ترانزیتی به افغانستان را در اختیار داشت. طالبان در سال ۲۰۲۱ کنترل افغانستان را دوباره به‌دست گرفت، در حالی که نیروهای آمریکایی تحت یک توافق صلح که توسط ترامپ امضا شده بود، عقب‌نشینی کردند.»

در عین حال روابط دهلی‌نو و واشنگتن هم در ماه‌های اخیر با افزایش فشارهای آمریکا بر هند برای توقف خرید نفت از روسیه دچار مشکل شده است. آمریکا در واکنش به بی‌توجهی دهلی‌نو به تحریم‌های آمریکا و اتحادیه اروپا علیه روسیه، تصمیم گرفت تعرفه‌های سنگینی را بر واردات از هند وضع کند. این تصمیم واشنگتن نشان از تغییر چشمگیر در رویکرد آمریکا نسبت به هند خبر می‌دهد. از دهه نخست قرن ۲۱ دولت آمریکا تحت زعامت جورج دبلیو بوش، سیاست استثنائگرایی را در قبال هند در پیش گرفته بود که در چارچوب آن هند به عنوان یک قدرت نوظهور به عنوان ابزاری برای ایجاد توازن در قبال چین در نظر گرفته می‌شد. در همین چارچوب واشنگتن با دیده اغماض به اقدام‌های هند از جمله روابط این کشور با روسیه نگاه می‌کرد. برای مثال دولت هند برخلاف دیگر کشورهای جهان در چارچوب قانون کاتسا (قانون مقابله با دشمنان از طریق تحریم) برای معامله‌های کلان دفاعی با روسیه هیچ‌گاه تحت فشار آمریکا قرار نگرفت. به نظر می‌رسد که در دولت دوم دونالد ترامپ، سیاست استثنائگرایی در قبال هند در حال کنار گذاشته شدن است.



شهاب شسوری

خبرنگار گروه دیپلماسی

مناسبات اقتصادی ایران و هند

هند با حجم تجارت حدود ۲/۶ میلیارد دلاری یکی از پنج شریک اصلی تجارت خارجی ایران در سال گذشته محسوب می‌شد. هرچند حجم روابط ایران و هند نسبت به سه شریک نخست تجاری ایران (چین، امارات متحده عربی و ترکیه) به مراتب کمتر است، اما آمار و ارقام نشان می‌دهد که به‌رغم تقریباً صفر شدن واردات نفت از ایران، هند همچنان شریک تجاری مهمی برای ایران محسوب می‌شود که روابط نسبتاً متعادلی نیز با تهران دارد و تراز تجاری دو کشور تقریباً متعادل است. با این حال این حجم تجارت مربوط به زمانی می‌شود که هنوز تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد علیه ایران بازنگشته بود. مشخص نیست که بازگشت تحریم‌های

«هند تا پیش از خروج آمریکا از برجام یکی از مشتریان نفت خام ایران بود. خرید نفت ایران توسط هند بعد از خروج آمریکا از برجام کم و بیش قطع شد و فقط گزارش‌هایی از خرید بسیار محدود نفت از سوی هند وجود دارد. فکر می‌کنید اسنپ‌بک و بازگشت قطعنامه‌های شورای امنیت چه تأثیری بر این موضوع بر جا بگذارد؟

در مورد خرید نفت هم باید منتظر رویدادهای آینده باشیم و ببینیم که قطعنامه‌های شورای امنیت که با اسنپ‌بک بازگشته‌اند تا چه اندازه از سوی ایران قابل مهار و کنترل خواهند بود. بین تحریم‌های یکجانبه آمریکا و تحریم‌های شورای امنیت تفاوت وجود دارد. تحریم‌های آمریکا به دلیل اینکه یکجانبه و غیرالزام‌آور بود، راه‌هایی را برای دور زدن باقی می‌گذاشت. اما هند خود را به رعایت قوانین بین‌المللی متعهد می‌داند و بازگشت تحریم‌های شورای امنیت، ممکن است تا حد زیادی بر رفتار هندی‌ها تأثیر بگذارد. باید منتظر تحولات آینده بود تا دید که هند چه واکنشی به تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران نشان می‌دهد.

«در حالی فروش نفت ایران به هند در دوران تحریم آمریکا قطع شد که روسیه که هم تحت تحریم آمریکا و هم تحت تحریم اتحادیه اروپا قرار دارد، به بزرگ‌ترین تأمین‌کننده نفت خام هند تبدیل شد. چرا روسیه می‌تواند در رابطه با هند تحریم‌ها را دور بزند، اما ایران نمی‌تواند؟

از نظر هندی‌ها بین ایران و روسیه تفاوت‌های زیادی وجود دارد. متأسفانه امروز در بازار جهانی نفت، بین ایران و روسیه رقابت ناسالمی در دادن تخفیف شکل گرفته است. در این مورد وقتی پای درآمد‌های ارزی در میان باشد اصطلاحاتی مانند روابط سنتی و روابط راهبردی ارزش یک پول سیاه هم ندارد. توجه هند به روسیه به دلیل روابط تاریخی دو کشور بسیار بیشتر از ایران است. هند که اخیراً تنش‌هایی با آمریکا پیدا کرده است، ترجیح داده است که بیشتر به سمت روسیه و چین تمایل پیدا کند و حتی حاضر شده است مشکلات سیاسی و ارضی که با چین دارد را با دیده اغماض نگاه کند. ما حتی پیش از اینکه مکانیسم ماشه فعال شود، در فروش نفت به هند مشکل داشتیم. با بازگشت قطعنامه‌های شورای امنیت شرایط در روابط تهران و دهلی‌نو سخت‌تر می‌شود. با توجه به تشدید تحریم‌ها علیه ایران متأسفانه صحنه‌ای که برای ایران چیده شده است، صحنه خوبی نیست و هیچ ابتکار عمل و راهکاری هم برای عبور از این مرحله در ایران دیده نمی‌شود.

«می‌توان گفت که هندی‌ها پذیرفته‌اند که عواقب دور زدن تحریم‌های روسیه را در رابطه با آمریکا بپذیرند و حتی تحت فشار تعرفه‌ای قرار بگیرند، اما در مورد ایران این کار را نکرده‌اند...»

برای کشورها و قدرت‌های جهانی در سیاست خارجی، همواره اقتصاد حرف اول را می‌زند. مسائل دیگر از جمله جنگ، تحریم، روابط تاریخی و امثال اینها تحت تأثیر آن و آب مردم قرار می‌گیرد. هندی‌ها هم از این امر مستثنی نیستند، اما در مورد ما اینگونه نیست و منافع اقتصادی در اولویت سیاست خارجی ما

اوایل مهرماه، همزمان با بازگشت قطعنامه‌های تحریمی شورای امنیت سازمان ملل متحد در چارچوب مکانیسم اسنپ‌بک که توسط کشورهای اروپایی فعال شده بود، دولت ایالات متحده آمریکا اعلام کرد که ضرب‌الاجلی ۴۵ روزه برای شرکت‌های هندی تعیین کرده است تا تمامی فعالیت‌های خود را در توسعه بندر چابهار متوقف کنند و از ایران خارج شوند. ضرب‌الاجل دونالد ترامپ به دهلی‌نو، تحولی نسبی در سیاست معافیت بندر چابهار از تحریم‌های ثانویه آمریکا پس از خروج آمریکا از برجام در سال ۲۰۱۸ بود. بعد از خروج آمریکا از برجام، دولت نخست دونالد ترامپ در چارچوب تلاش برای کمک به بازسازی افغانستان تصمیم گرفته بود که سرمایه‌گذاری هند

آمریکا در ریافت کرده بودند و از تحریم‌های ثانویه معاف شده بودند. واشنگتن این معافیت را به صورت دوداری تمدید می‌کرد و حالا دونالد ترامپ گفته است که دیگر این معافیت را تمدید نمی‌کند اما به‌رغم دریافت معافیت از آمریکا، در سال‌های اخیر هند از سرمایه‌گذاری جدید و هزینه کردن برای توسعه بندر چابهار خودداری کرده بود. آنچه تاکنون هندی‌ها در چابهار سرمایه‌گذاری کرده‌اند، رقم قابل توجهی نیست و مسئله اینجاست که منافع هندی‌ها از این بندر، بسیار فراتر از هزینه‌ای است که انجام داده‌اند، چرا که این بندر هند را به افغانستان، آسیای میانه و قفقاز متصل می‌کند. این مسیر برای هند بسیار درآمدزا است. باید در نظر داشت که استفاده از مسیر ایران به عنوان مسیر ترانزیت برای تجارت سودآور هند، برای ایران هزینه دارد و استهلاک راه‌آهن و جاده‌ای بر جایی گذارد. آنچه در مورد سرمایه‌گذاری هند در بندر چابهار مطرح شده است، بیش از هر چیز جنجال و سروصدا رسانه‌ای است که از طرف جمهوری اسلامی ایران مطرح می‌شود، حتی خود هندی‌ها هم چندان در این مورد سروصدا نکرده‌اند. ما در ایران به دلیل محرومیت‌ها و محدودیت‌های بین‌المللی که با آن مواجه هستیم، هر توفیق و کار بسیار کوچکی بین‌المللی را به بوق و کرنا می‌کنیم و به صورت نمایشی در آن مبالغه می‌کنیم.

به نظر می‌رسد که هدف از این مبالغه کردن این باشد که افکار عمومی آرام بماند و امید در جامعه از بین نرود. در شرایط فعلی که تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد به خواست اروپایی‌ها بازگشته است، هنوز نمی‌توان در مورد آینده روابط ایران و هند پیش‌بینی دقیقی انجام داد. از یک سو روابط هند و آمریکا تا حدی وارد مرحله تنش شده است و از طرف دیگر روابط هندی‌ها با طالبان تا حدی بهبود یافته است که باعث خشم پاکستان شده است. به اضافه اینکه سرمایه‌گذاری در راه‌ها و کریدورهایی که ایران را دور می‌زنند، در حال افزایش است. غفلت ما در حوزه کریدورها باعث شده است مسیرهای جایگزینی ایجاد شود که ایران را دور می‌زنند. متأسفانه شرایط تحریمی و جنگی ایران، ضررهایی هنگفتی به کشور وارد کرده است. تصور من این است که به‌رغم مشکلاتی که بین واشنگتن و دهلی‌نو وجود دارد، بعید است که چیز زیادی از هندی‌ها برای چابهار دریابد.

